



و چون ایوم مدیون
تولودم با فوراً اومدم تا اارت
تشکر کنم!

هیس! لا! تشکر
بیست. میبوی هر وقت فرشته
برویدی ازش تشکر کنی!



سرم تیج میره! این
پس چه کسایی رو همیشه
عالیه!

همه آشنا بجا نوش خودایی
بیست آنچه فایده ای داره اگر کسی
سوره شکمشو میزکنه!

میو...
خوبه... اما...



حالا پیو کیو لیریه گریه
عوضی افاره! هه هه!



راز تو هم
خوشش نیاد؟!

یه گریه
ناجور!



هه هه هه!
من با عزیزت کاری
ندارم!



دهنتو بید روکوا!
این پشمالو هیچ ربطی به
پیو کیو نداره!



تو چی میگی؟
بار اصلی رو درش منه!

بار مسئولیت سنگینتر
از اون توره که رو پشت تو
سنگینی میکنه!



بله دنگه، من باید
بازم نقش الاغ رو بازی
کنم!



آره، تو بگیری
باور کردم!



وای...
اینجا رو تو عمداً کردی!
بیخس!



مواظب باش
یه شاخه!



بوم

دنگ

دایب



نزدیکه، باید
حسابتر برسم، اومدم!





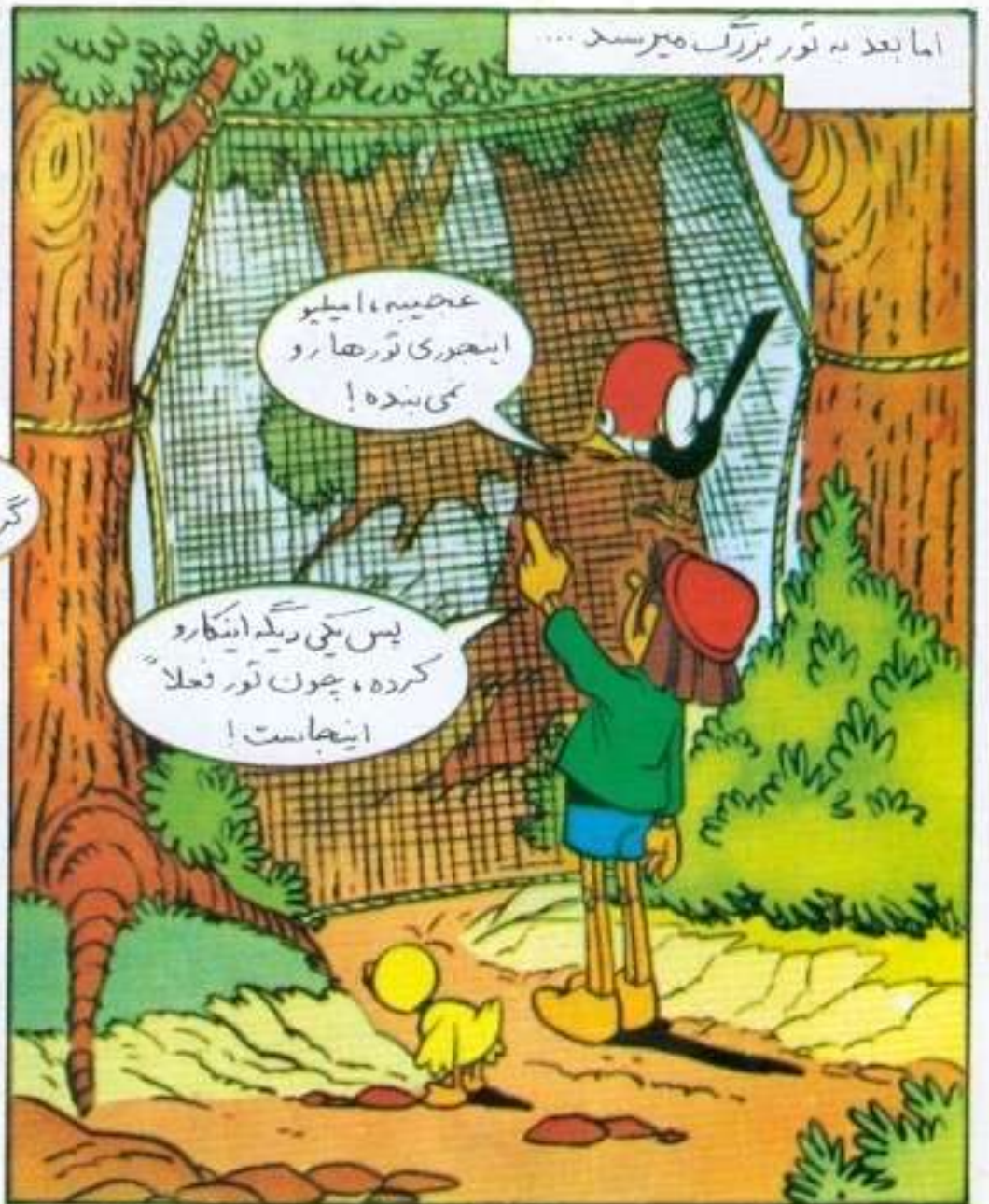


فکر میکنی کی باشه؟

اوه، منظره تو گریه بره دروازه نگاه؟



کهنه بیا من پاشن میترسم یکی از شماها توش بیفتید!



اما بعد به تور بزرگ میرسد...

عجیبه، امیلیو اینجوری تورها رو میبنده!

پس بی ریله اینکارو کرده، چون تور تخلیه اینجاست!



بیایم، کلمه کنید! نمی توخم بیرون

آروم باش، ولتره تور رو بیشتر تنگ میکنی!



اوخ... لعنتی!



کم صبر کن پینوکیو، پسر عموها مو صد میکنند!

صبر کن! الان میان!



خوب میتونی حرف بزنی امو عمل چی؟





هیچس...
یه نفر داره میاد!



منظورم از طه پوک
تو بودی احمق جان!

بمن میگی طه پوک؟
حالا این مشت تو چونه ات
میخوره تا بغضی!



شاید همین
مزدبانی ها باشند،
بگردیم!

خوب بگرد،
کارلو!



این تور مال
ماست، فیلیو!

اگر دزد بدجنس
پیدا کنم! میدریم!



اگر گرشون
بیاریم گلوشون تمومه

اول باید گیرشون
بیاریم، میغهی!



از اونجا صدا
میاد!

آره، یه صدایی
بگوشم خورده!



چی شد
یعنی...

دزد تور؟؟

کم این
طور!



هی، دزد های
توره بیرون بیاید!



اصلاً قیافه‌های ما به
دزدان‌ها می‌خوره؟ نکه عقل از
سرتون پریده؟



آرام بیوکتیو!
منظرشون بد نیست!

حق دارم
ریکه!



این چه طرز صرف
زردنه؟ حلوی دهشتونو
بگیرید!

فیلپو مثل
آرد، خوردتون
میکنه!

اقرار کنید که
نکر منو شماها کشت
رفتید!



واون یکی
هم بهتر از این
نیود!

یکیشون این
ریختی بود!



انفعا هر دوی
اوناتو مالین ما بوردند

شما دنبال
گربه نره و رد باه
مکارید!



صبر کن من از
کره غیب تو پرسیم!



ما حسابشونو می‌رسیم نه؟

اما حالا
کجا هستید؟



نه اردک جان در
این فاصله زیاد برگ
نشدی!

و تو هم هنوز
عقل به کلمات برنگشته!
کردن!



الان می فهمیم!

این کوره
شیشه ای چی میتونه
بگه؟

ساکت ، من
باید دقت کنم!



آها...
دیدمشون!

کجا هستند؟
چی میگن؟



هی این کار
جا دوگرتیه!

ساکت
ریگه!



ساکت... وگرنه
نمیتونم بشنوم!

اما تو برداهی
اقتاده بودیم ها!



اینجا چقدر
راحت!

زیاد طول
نمیشه!



باید به امیلیوی پرزده
فروش خبر بدیم!

اما ممکنه سرمون
کلاه بذاره ها!



ما امیلیو پرندہ فروش رو با خودمون متحد میکنیم!



معلوم شد که میخواستن با اون تور پرندہ هارو شکار کنن، بدجنسها!



هورا، من میدونم چطوری باید حساب اون دوتا رو رسید!

هووری! مواظب باش!



دیگه نیایست که هم گاری رو بهم بریزی پسرک کوچولو!



اما امیلیو هم کمی بدجنس باید احتیاط کنیم!



این پسرہ خیلی خلم!

اما ملبش پاکه، پدر زیتو!



بالاخرہ میرسیم! امیلیو اون طرف میدون زندگی میکنه!